

رژیم صهیونیستی برای فرونشاندن آتش کینه خود که در برابر پایمردی و مقاومت مبارزان فلسطینی، توان رویارویی مستقیم در جبهه‌های نبرد را ندارد، سلسله عملیات تروریستی را طراحی و به اجرا می‌گذارد تا شاید با شهادت رهبران نهضت مقدس مردم فلسطین، توده‌های مصمم را مایوس کند. ترور ناجوانمردانه شهید فتحی شقافی که بدون تردید با هماهنگی عوامل سرسپرده رژیم صهیونیستی در چند کشور و سازمان بین‌المللی طراحی و به اجرا گذاشته شد نیز در همین راستا صورت گرفت که بعدها از سوی موساد روایت شد و در زیر به اختصار به آن اشاره شده است.



به روایت موساد:

## جزئیات ترور شهید فتحی شقافی...

آن طرف رفتند. وی بار دیگر با بی سیم گفت به نظر می‌رسد همین است، برای رد گم کردن شعاری روی سر خود قرار داده است. شقافی مدت یک ساعت در حالت منتظر شد و پس از آن برای شرکت در کنفرانس عازم لیبی شد. بدون این که احساس کند که تحت کنترل است.

موساد در گزارش خود می‌گوید شقافی در آن جا با ابوموسی و «طلال ناجی» از رهبران جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی کل - به رهبری احمد جبریل دیدار کرد. در تاریخ ۱۲۶ اکتبر شقافی به مالت بازگشت. موساد متوجه می‌شود که شقافی با یک گذرنامه لیبیایی به نام «ابراهیم شایویش» سفر کرده است و برای مشخص کردن جای او در مالت بنا به وجود نام او در گذرنامه با مشکل روبه رو نشد. شقافی در صبح همان روز وارد مالت شد و یک اتاق در هتل در شهر نقاهه «سلیمه» برای یک شب اجاره کرد. شماره اتاق ۶۱۶ بود. ساعت یازده و نیم شب بود که شقافی برای خرید از هتل بیرون رفت و وارد فروشگاه «مارکس و اسپنسر» شد و از آن جا یک پیراهن برای خود خرید و به چند فروشگاه دیگر هم رفت و سه پیراهن دیگر خرید.

بنا به گفته موساد شقافی همچنان به پیاده روی خود در مالت ادامه داد و متوجه موتور سبکلت یاماها که در طول راه او را تعقیب می‌کرد نشد. راننده موتور سبکلت خود را به شقافی نزدیک می‌کرد تا جایی که هم زمان و هماهنگ با راه رفتن او حرکت می‌کرد. سرنشین دوم موتور سبکلت که پشت سر راننده نشسته بود هفت تیر خود را که مجهز به صدا خفه کن بود، از جیبش درآورد و سه گلوله به سر شقافی شلیک کرد تا این که مطمئن شد که او دیگر در انجام این عملیات ترور زنده نخواهد ماند. این هفت تیر مجهز به کیسه‌ای برای نگهداری پوکه گلوله‌های شلیک شده بود تا از این طریق برای انجام تحقیقات و دور نگه داشتن اسرائیل از این اتهام جلوگیری شود. موساد متوجه می‌شود که موتور سبکلت یک شب پیش از انجام این عملیات در دیده شده بود. به این ترتیب عوامل موساد از مالت نجات داده شدند بی آن که به جزئیات نجات دادن اعضای گروه قیصرا به پرداخته شود. اعضاء این گروه در یک تلاش برای ترور خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس در اردن نیز شرکت داشتند که پس از آن منحل شد. موساد اعلام داشته است عملیات ترور شقافی یکی از موفق‌ترین عملیاتی بود که انجام داده است. ولی اسرائیل را وارد یک حالت آماده باش کامل در پی رسیدن هشدارهای عملیات انفجاری قرار داد. ■

اعضای جنبش موساد که نام او فاش نشده اظهار داشت: ابوموسی جزو مخالفان شقافی است و چنانچه در این کنفرانس شرکت کند، شقافی نیز شرکت خواهد کرد. وی از افراد متخصص در موساد خواستار آمادگی برای انجام عملیات شد. چگونگی سفر شقافی به لیبی برای موساد با توجه به سفرهای گذشته ایشان مشخص شد. شقافی از راه مالت به لیبی سفر می‌کرد. از این رو اعضای گروه «قیصرا» دو طرح برای ربودن شقافی ارائه دادند. نخست ربودن وی به هنگام سفر وی از مالت به سمت لیبی که رابین با این طرح از بیم این که گرفتار یک مشکل بین‌المللی شود، مخالفت کرد و طرح دوم ترور شقافی به هنگام حضور وی در مالت بود.

عناصر موساد راهی مالت شدند و در فرودگاه منتظر شقافی ماندند. شقافی از نخستین پرواز و با دومین پرواز و با سومین پرواز از هواپیما بیرون نیامد. عناصر موساد نسبت به امکان آمدن شقافی به مالت ناامید شدند ولی با بی سیم صدای یکی از عناصر موساد را شنیدند که می‌گوید: یک لحظه یک لحظه، یک شخص تنها وجود دارد که نشسته است. عناصر موساد به

روزنامه صهیونیستی «یدیעות احرونوت» در ضمیمه هفتگی خود فصلی از کتاب «نقطه بی بازگشت» نوشته «رونین برگمان» روزنامه نگار را به چاپ رساند.

در این فصل گزارش موساد مربوط به جزئیات ترور فتحی شقافی (پایه گذار جنبش جهاد اسلامی) در اکتبر سال ۱۹۹۵ در جزیره مالت ایتالیا در راه بازگشت از یک کنفرانس از لیبی افشا شده است.

در این کتاب آمده است: اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل در ماه ژانویه دستور ترور شقافی را در پی اقدام جهاد اسلامی به اجرای عملیات بیت لید در ژانویه ۱۹۹۵ که در آن ۲۲ اسرائیلی کشته و ۱۰۸ نفر مجروح شدند، صادر کرد.

در پی صدور دستور رابین، موساد تدارک لازم را برای ترور شقافی توسط واحدی به نام «گروه قیصرا» انجام داد. پیش از اجرای عملیات «بیت لید» طی سال‌های طولانی مکان شقافی را در دمشق مشخص نمود ولی اوری ساگی رئیس بخش اطلاعات نظامی نسبت به انجام این عملیات ترور در خاک سوریه هشدار داد، وی عقیده داشت انجام این عملیات موجب برانگیخته شدن خشم شدید سوریه خواهد شد. رابین نیز این توصیه ساگی را پذیرفت و به موساد دستور داد طرح جایگزینی برای ترور شقافی در جایی جز دمشق را پایه ریزی کند. موساد در طرح جدید با مشکلاتی روبرو بود ولی همان گونه که رابین می‌خواست عمل کرد.

شقافی می‌دانست که تحت تعقیب اسرائیلی هاست. از این رو در دمشق بیرون نمی‌رفت و بنا به گفته صهیونیست‌ها محتاط بود. منابع موساد یادآور شده بودند که شقافی فقط با هواپیما به ایران سفر می‌کند. با وجود این دشواری موساد طرح دیگری ریخت و تلاش کرد آن را به اجرا درآورد. در آغاز اکتبر سال ۱۹۹۵ بنا به گفته موساد، شقافی دعوتی برای شرکت در یک سمینار با حضور رؤسای سازمان‌های جنگ‌های پارتیزانی در لیبی دریافت کرد و موساد می‌دانست سعید موسی مراة (ابوموسی) از جنبش فتح نیز در این سمینار شرکت خواهد کرد. یکی از

### شهرت‌های شقافی



**سرنشین دوم موتور سبکلت که پشت سر راننده نشسته بود هفت تیر خود را که مجهز به صدا خفه کن بود، از جیبش درآورد و سه گلوله به سر شقافی شلیک کرد تا این که مطمئن شد که او دیگر در انجام این عملیات ترور زنده نخواهد ماند.**

